



پیام چریکهای فدایی خلق ایران

به مناسبت پنجاهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

(سیاهکل، قُفَنوسی در گذر زمان!)

در آستانه پنجاهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل، سرآغاز جنبش مسلحانه برای آزادی و رهایی توده های در بند میهنمان، دروهای بی پایان خود را نثار رزمندگان سیاهکل می کنیم که در شامگاه ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹، در جریان نبردی نابرابر ولی آگاهانه با حکومت اهریمنی شاه، جان شیرین خود را چه بی دریغ در طبق اخلاص مبارزه برای گسستن زنجیرهای اسارت و وابستگی و رهایی کارگران و زحمتکشان از بند استثمار و ستم و سرکوب نهادند.

به یاد می آوریم چریکهای جان برکفی را که با خلع سلاح پاسگاه سیاهکل، کوس رسوایی تبلیغات حکومت و افسانه قدرقدرتی رژیم ضد خلقی شاه را به صدا درآوردند و با نیرویی کوچک اما مصمم و آگاه، به حکومت "شاه شاهان" اعلان جنگ دادند و سپس در جریان چند روز نبرد نابرابر با صدها ژاندارم و ارتشی مزدور، دلیرانه با دشمن جنگیدند و با تنی مجروح و خسته ولی سرفراز، یا در میدان نبرد به خاک افتادند و یا در مقابل جوخه های اعدام برپا شده از ترس و وحشت دشمن، با تبسم و غرور به خون غلطیدند. پاس می داریم یاد آنان را، چرا که نام و خاطره رزمندگان سیاهکل تا ابد روشنی بخش آسمان پر ستاره ایران کارگران و خلقهای تحت ستم ما خواهد بود. و هزاران درود بر رزمندگان سیاهکل؛ "آن کاشفان چشمه، آن کاشفان فروتن شوکران"، انقلابیونی که "در برابر تُندر ایستادند، خانه را روشن کردند و پس آنگاه مردند!" درود بر آنان که تا ابد در پیشگاه تاریخ "تباهی، از خاطره بلندشان، شرمسار و سرافکنده" می گذرد!

همه می دانند که رزمندگان سیاهکل "به چرا مرگ خود آگاهانی" بودند که با نثار جانشان، راه مبارزه را به محرومان نشان دادند و خونشان چشمه زلال و جوشانی شد که مرداب بوجود آمده از یک دوره خفت بار بی عملی، تسلیم طلبی و ناامیدی روشنفکران جامعه در بند حکومت ستمشاهی را خشکاند. آنان با مرگ خود پرچم انقلاب، پرچم "قهر مادی را تنها با قهر مادی می توان سرنگون ساخت" و "زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است" را برافراشتند. با سر دادن این ندا بود که پس از رستاخیز سیاهکل و با تداوم رزم آنان توسط چریکهای فدایی خلق، زمستان طولانی و جانسوز حاکم بر حیات مردم ما رخت بر بست و سبزی و طراوت بهاری در آواز غرش سلاحهای شیر زنان و کوهمردان چریک فدایی خلق و سایر مبارزین مسلح، از شهرها تا دورترین نقطه های فلات سرزمین ما دامن گسترده.

سیاهکل به خون نشست، اما جرعه ای که در جنگلهای سیاه با شیره جان ۹ پارتیزان رزمنده خلق برافروخته شد، با تداوم نبرد در شهرها توسط چریکهای فدایی خلق همانند یک آتش سهمگین و خاموشی ناپذیر بر جان استثمارگران و حکومت وابسته شاه و اربابان جهانی اش افتاد و کابوس مرگ و اضمحلال اجتناب ناپذیر "جزیره ثبات" استثمارگران جهانی و ایادی داخلی شان را در مقابل چشم آنها به نمایش درآورد.

بنیانگذاران کبیر چریکهای فدایی خلق یعنی رفقا امیر پرویز پویان، عباس مفتاحی و مسعود احمد زاده با اتکاء بر تئوری های جمع بندی شده در دو اثر "تئوری مبارزه مسلحانه، هم استراتژی هم تاکتیک" و "ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقا" با رهبری این تشکل کمونیستی رزم قهرمانان جنگل را تداوم داده و نام بزرگ سیاهکل را جاودانه ساختند. رفقا پویان و احمدزاده در تئوری های خود یک راه عملی برای در هم شکستن بن بست

حاکم بر مبارزات جامعه و روشنفکران ارائه داده بودند. در این تئوری ها گفته شده بود که اگر انقلاب کار توده هاست، پیشرو باید برای آزاد کردن پتانسل عظیم انقلابی مردم، با عمل خویش نقبی به قدرت تاریخی آنان بزند و با نشان دادن راه مبارزه به توده های در زنجیر، به جاری ساختن قدرت تاریخ ساز آنان در صحنه مبارزه کمک کند. به این ترتیب بود که با برپایی رستاخیز سیاهکل در جنگلهای شمال و سپس تداوم آن در نبرد مسلحانه در شهرها، چریکهای فدایی خلق ایران به پرچمداران مبارزه برای آزادی توده های زحمتکش تبدیل شدند و در قلب مردم، بویژه خیل گرسنگان و محرومان جای گرفتند. جامعه به فرزندان چریک و مبارز خود نیرو داد و چریکهای فدایی خلق ایران به تدریج با مبارزه ای شورانگیز و جانفرسا و تغییر فضای جامعه از حمایت های معنوی و مادی توده ها برخوردار شده و جانمایه گرفتند. دیگر هر اسلحه ای که از دست چریکی افتاد، چریکهای دیگری بودند که آن را بردارند و مبارزه برای آزادی از سلطه ستمگران را ادامه دهند.

با فرا رسیدن نخستین امواج انقلاب مردمی سالهای ۵۶-۵۷ علیه رژیم شاه و اربابان جهانی اش، سالها مبارزه بی امان چریکهای فدایی خلق ایران که حاصلش به خاک افتادن حماسی صد ها رزمنده زن و مرد فدایی بود، تاثیرات و ظرفیتهای تاریخی خویش را هر چه بیشتر به مَنَصّه ظهور رسانید و در مقطع قیام شکوهمند بهمن ۵۷، توده های قیام کننده علیه رژیم شاه با فریادهای "ایران را سراسر سیاهکل می کنیم" و "فدایی، فدایی، تو افتخار مایی" به ندای فُقنوس وار فرزندان فدایی خویش پاسخ دادند. آنها برغم زوزه های دار و دسته مزدور خمینی مبنی بر این که "امام هنوز دستور جهاد نداده" در پاسخ به ندای چریکهای فدایی خلق، به سرعت به تسلیح خویش پرداخته و در ۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۵۷ سرانجام با مبارزات خویش حکومت شاه را به زباله دان تاریخ پرتاب نمودند. تاثیر مبارزات قهرمانانه چریکهای فدایی خلق که منجر به اقبال توده ای وسیع از آنان و از کمونیسم شد، در انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ غیر قابل انکار است.

این یک حقیقت تاسف بار است که قیام تاریخی بهمن ۵۷ برای نیل به آزادی و استقلال از آنجا که فاقد یک رهبری متشکل و انقلابی بود به اهداف خود نرسید و امپریالیستها موفق شدند در جریان کنفرانس گوادلوپ با یارگیری جدید در صحنه سیاسی جامعه ما رژیم شاه - که دیگر حفظش امکان پذیر نبود - را با دار و دسته مزدور خمینی و جمهوری اسلامی تعویض کنند. این رژیم در تداوم پیشبرد همان سیاستهای ضد خلقی حکومت شاه به سرکوب انقلاب مردم از طریق یک نسل کشی تمام عیار پرداخت و در طول بیش از چهار دهه حکمرانی، شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ای بس نکبت بارتر را بر توده های تحت ستم ما حاکم کرد.

امروز در شرایطی به بزرگداشت خاطره و راه رزمندگان سیاهکل و جانبازان انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ می پردازیم که تداوم مبارزات کارگران، زنان، جوانان، و خلقهای تحت ستم ایران عرصه را بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی هر روز تنگ تر کرده است. در همان حال تجربه دو قیام بزرگ توده ای یعنی خیزش گرسنگان در دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ جلوه های سراپا آتش و قهر ستمکشان علیه قهر ضد انقلابی جمهوری اسلامی را به طور سیستماتیک و سراسری به نمایش گذارد. این ها همه، تپش فزاینده ضرب آهنگ انقلاب و خرد شدن استخوانهای پوسیده رژیم فاسد و سرکوبگر جمهوری اسلامی را به نمایش درآورده اند.

بیش از چهار دهه سرکوب عریان و نسل کشی برای حفاظت از نظام استثمارگرانه حاکم و تحمیل فقر و بیکاری و گرسنگی و بی خانمانی گسترده به توده ها و در همان حال تامین شرایط غارت و استثمار توده ها توسط استثمارگران خارجی و داخلی، بخشی از آن واقعیات عینی ای هستند که گفتمان انقلاب، گفتمان ضرورت اعمال قهر، و در یک کلام گفتمان رزمندگان سیاهکل یعنی نیاز به مبارزه مسلحانه برای سرنگونی دشمن و رسیدن به آزادی را به جلوی صحنه سیاسی جامعه تحت سلطه ما رانده اند.

خیزشهای قهر آمیز گرسنگان در سالهای ۹۶ و ۹۸ در صدها شهر که در جریان آنها توده های به پا خاسته با دست خالی به ارگانهای سرکوب حمله کرده و قریب به ۱۱۰۰ مرکز سرکوب و ستم و خودروهای نظامی و امنیتی و ... با شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "وای بروزی که مسلح شویم"، "آتش جواب آتش"، "بجنگ تا بکنیم"، "مرگ بر ستمگر"، چه شاه باشه چه رهبر"، "اصلاح طلب"، "اصولگرا"، دیگه تمومه ماجرا" و ... را به آتش کشیدند، همه و همه نشان از ظرفیت مبارزاتی این خیزش ها و نفرت انباشته شده و متراکمی دارند که در گرایش طبیعی توده ها برای مسلح شدن و جنگیدن با رژیم جمهوری اسلامی نمایانگر می شود. بیهوده نیست که با مشاهده این واقعیات، مقامات این حکومت مردم ستیز نسبت به امکان شروع مبارزه مسلحانه، نظیر مبارزات چریکهای فدایی خلق به یکدیگر هشدار داده و از خطر "تشکیل گروه های کوچک ترور" نظیر سالهای دهه پنجاه هراسناک شده اند.

مشاهده گرایش طبیعی ولی خطرناک در میان پایینی های اعماق جامعه، بالایی ها را سخت هراسناک نموده و آنها را به واکنش های مختلف واداشته است. به این دلیل علاوه بر سرکوب وحشیانه و عریان و براه انداختن چوبه های دار و شکنجه در هر کوی و برزن، شاهدیم که گردانندگان نظام حاکم در عرصه تبلیغاتی نیز در این سالها و روزها یک آتشباری ایدئولوژیک و تبلیغاتی سیستماتیک برای کوبیدن سمبلهای انقلابی مردم ما و الگوهای نسل جوان آگاه و مبارز یعنی رزمندگان سیاهکل و چریکهای فدایی خلق ایران براه انداخته اند؛ به این شکل که دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی به کمک قلم زنان وزارت اطلاعات اهریمنی و همچنین هنرمندان نویسندگان و روشنفکران نان آلوده خور خود در داخل و خارج کشور، می کوشد با تحریف تاریخ واقعی چریکهای فدایی خلق ایران و چگونگی تشکیل آن و تئوری راهنمای آن، از رستاخیز سیاهکل و چریکهای فدایی خلق یک رویداد فاقد اهمیت و ناچیز، یک گروه کوچک و فاقد حمایت توده ای، وابسته به قدرتهای خارجی، و یا یک مشت جوان "دست و پا چلفتی"، "ناآگاه" و سست عنصر و "گانگستر" که کارشان از کشتن چند پاسبان بینوا فراتر نرفته و... جلوه دهد؛ با این تاکید که نسل جوان نباید به هیچ وجه به فکر مطالعه و کنکاش در تاریخ و مبارزات آنها بیفتند و از آن مهمتر به هیچ وجه نباید به ادامه راه آنان فکر کند چون گویا چنین کاری بی سرانجام و فاقد تاثیر خواهد بود.

به راستی اگر کوچکترین عنصری از حقیقت در هیچ یک از تمامی القاب و یا در سیل تبلیغات نفرت انگیز و دروغین و فاقد هر گونه وجاهت مبلغین نان آلوده خور علیه رزمندگان سیاهکل و چریکهای فدایی خلق ایران موجود بود، دیگر چه ضرورتی برای رژیم جمهوری اسلامی وجود داشت که بخواهد میلیاردها از درآمد خزانه این مملکت را مستقیم و غیر مستقیم در راه تولید، ساختن و نشر تاریخ های جعلی برای چریکهای فدایی خلق، انتشار هزاران کتاب و مقاله نظیر "کتاب دشمن" (چریکهای فدایی خلق از نخستین کنش ها تا بهمن ۵۷) و براه اندازی صد ها سایت و نشریه ضد انقلابی و امنیتی نظیر سایت "مطالعات ایرانی"، "سایت مطالعات استراتژیک" و نشریه "اندیشه پویا" (به عبارت صحیح اندیشه ارتجاع)، برای تمرکز بر روی فعالیتها و نظرات چریکهای فدایی خلق چه در دهه پنجاه و چه در شرایط حاضر صرف کند؟

چه ضرورتی وجود داشت که در حالی که دستگاههای امنیتی و پلیس سیاسی این رژیم در هر فرصتی همچون سلف خود یعنی ساواک شاه، با تاکید بر قدرقدرتی "سربازان گمنام امام زمان" خبر از عدم وجود چریکهای فدایی خلق ایران و فعالیتهای آنان می دهند و ادعا می کنند که تشکیلات آنها را نابود کرده اند، توسط منابع و نیروهای خود "بیت رهبری" برای تخطئه چریکهای فدایی خلق و رهبران ثابت قدم و پایدار و خوشنام آنها، فیلم و سریال های دروغین بسازند؛ و یا در رابطه با نقش سازمان آنها در "غایله بندرعباس" و "ترکمن صحرا"، نوشته جات و "مستندهایی" تولید کنند که مجموعه خزعبلات درون آنها حتی قادر به گول زدن یک کودک بی تجربه و

ناآگاه نیست، تا چه رسد به جوانان آگاه و مبارزی که جز با پوزخند به این تلاشهای فرهنگی - تبلیغاتی مُضحک دشمنان خود علیه نیروهای انقلابی نمی نگرند.

واقعیت این است که دشمنان قسم خورده مردم ما می دانند حماسه سیاهکل، در ذهن توده های تحت ستم و آگاه، برگه زرین و پویا و غیر قابل حذف در تاریخ مملکت ماست. سیاهکل یک رویداد ملی ست. سیاهکل مانیفست انقلاب رهایی بخش مردم ما برای نابودی نظام استثمارگرانه سرمایه داری در ایران و محو سلطه امپریالیستها و تضمین یک نظام دمکراتیک و انقلابی ست که در آن حق "نان، کار، مسکن و آزادی" برای گرسنگان و ستمدیگان تضمین شده باشد.

در نتیجه، تا زمانی که در ایران تحت سلطه ما، کارگران و زحمتکشان در بند استثمار و ستم سرمایه داران خارجی و داخلی اند، تا زمانی که زنان ما به اشکال مختلف از نابرابری جنسیتی رنج می برند و سرکوب می شوند، تا زمانی که زنجیرهای فقر و بیکاری و گرسنگی بر دست و پای جوانان ما بسته شده، تا زمانی که حق تعیین سرنوشت خلقهای تحت ستم ایران نقض می شود و تا زمانی که نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم که مسبب تمام مظالم فوق است، به هر شکل سیاسی، مذهبی و غیر مذهبی بر ایران ما حاکم است و هر گونه خواستی برای تغییر مناسبات ارتجاعی کنونی را با گلوله و زندان و دیکتاتوری عریان پاسخ می دهد، سیاهکل و راه چریکهای فدایی خلق ایران و تشکیلاتی که راه و پرچم بنیانگذاران این سازمان را برافراشته نگاه داشته نیز زنده اند.

در آستانه پنجاه سالگی سیاهکل، در شرایطی که تمامی واقعیات انکارناپذیر جاری در جامعه بر درستی تئوری و راه رزمندگان سیاهکل تاکید می کنند، ما از نیروهای پیشتاز و جوانان آگاه و انقلابی که پیگیرانه در صدد مبارزه و یافتن راه چگونگی خلاص شدن از شر اهریمنی به نام جمهوری اسلامی هستند، دعوت می کنیم که با آموختن از تجربه رزمندگان سیاهکل و تئوری راهنمای جنبش مسلحانه، راه بنیانگذاران چریکهای فدایی خلق ایران را سرمشق خود قرار دهند تا در راس جنبش توده ها قرار گیرند. چرا که تئوری مبارزه مسلحانه، هم استراتژی هم تاکتیک تنها امید و امکان واقعی رهایی کارگران و توده های تحت ستم ما از چنگال جمهوری اسلامی و سلطه حامیان بین المللی اش است.

درودهای بیکران به رزمندگان سیاهکل!

جاودان باد خاطره رفقای بنیانگذار چریکهای فدایی خلق ایران، پویان، مفتاحی، احمدزاده!

گرامی باد خاطره توده های قیام کننده در بهمن ۵۷ و تمامی جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم!

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی ست!

چریکهای فدایی خلق ایران

بهمن ۱۳۹۹